

الف، ب، پ انسان و انسان؛ بمب و بمب؛ پناهنده و پناهنده!

پیش از هر چیز: من تجاوز آشکار و نابخشودنی روسیه به اوکراین را محکوم کرده و آنرا با هر برچسبی که به آن بزنند نمی‌پذیرم. می‌دانم که این تجاوز در چهارچوب تضادهای امپریالیستهای ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا و بله‌بله‌گویان آنها از یکسو و امپریالیسم روسیه از سوی دیگر و پس از تشدید تحریکات و اقدامات خصمانه ناتو صورت گرفت؛ اما به همین دلیل هم آنرا شدیداً محکوم می‌کنم.

سپس: باورم این است که باید تمامی انسانهایی را که از جنگ و بدبختی فرار می‌کنند با آغوش باز بپذیریم. آنان پناهنده هستند و باید به آنان پناه دهیم و درست از اینرو برای من بدیهی است که باید پناهندگان اوکراینی را با آغوش باز پذیرفته و تا آنجا که می‌توانیم مکانی امن به آنها عرضه داریم.

اما: امروز صبح شنیدم که تا امروز حداقل ۴۰۰۰۰۰ اوکراینی مجبور شده‌اند کشور خود را ترک کنند تا در یک کشور اروپایی دیگر پناهگاهی بیابند و در ادامه خواندم که کمیسیون اتحادیه اروپا به وسیله ایلوا یوهانسون کمیسر سوئدی امور پناهندگان این اتحادیه اعلام کرده است که تمامی کشورهای اتحادیه اروپا باید این پناهندگان را پذیرفته و این پناهندگان می‌توانند بدون نیاز به درخواست اجازه اقامت در خلال سه سال در کشور میزبان بمانند!

و آنگاه در شگفتم که:

(۱) آیا بین انسان و انسان تفاوتی وجود دارد؟

(۲) آیا بین مهاجم و مهاجم تفاوتی وجود دارد؟

آیا اینطور نبود که همین چند ماه پیش، زمانی که هزاران پناهجوی آسیایی و به خصوص اهالی افغانستان از طریق بلاروس تلاش کردند تا به اتحادیه اروپا بروند؛ لهستان سگ‌های آموزش‌دیده خود را به سوی آنها روانه کرد؟ آیا چندین کشور اتحادیه اروپا اعلام نکردند که می‌توانند برای کمک به نیروهای لهستان برای جلوگیری از پیشروی پناهجویان به این کشور نیرو اعزام کنند؟

آیا زمانی که ناتو به یوگسلاوی حمله کرد، کشورهای همسایه دست به هر کاری نزدند تا صرب‌های قربانی جنگ و پناهجو نتوانند کشور جنگ‌زده خود را ترک کنند؟

آیا اینطور نبود که وقتی سوری‌ها مجبور به ترک کشورشان شدند، تمامی احزاب بیگانه‌هراس سوئد با حزب SD در خط مقدم از "مهاجرت همگانی" صحبت می‌کردند و برای مانع شدن از پناهندگی آنها از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کردند؟ حالا آنگونه سخن‌ها به کجا رفته است؟

مگر نه این بود که وقتی افغان‌ها می‌خواستند از سلطه جنایت‌بار طالبان (که در عمل نشان داده‌اند که جزو بدترین ظالمان بوده و می‌باشند) فرار کنند، بسیاری می‌گفتند که ما باید به افغان‌ها کمک کنیم تا در کشورشان بمانند و با رژیم وحشی حاکم مبارزه کنند؟ آیا اوکراینی‌ها نباید با ظالمان بجنگند؟

شاید واقعیت آن است که در برابر بمب‌های روسیه نمی‌توان دفاع کرد، در حالی که بمب‌های آمریکا و ناتو را باید مانند ودیعه‌هایی الهی که از آسمان برای انسانها روان شده‌اند تلقی نمود و پذیرا شد!

شاید بمب‌های آمریکا در افغانستان و عراق و حملات اسرائیل به غزه و سوریه نمایشگر انساندوستی هستند!

شاید واقعیت آن است که باید اوکراینی‌هایی که از بمب‌های روسیه فرار می‌کنند پناهنده به شمار آورد، اما صرب‌هایی که از بمب‌های آمریکایی فرار می‌کردند و افغان‌هایی که از جنایات طالبان فرار می‌کنند پناهنده نیستند!

شاید آنچه در بالا آمده نمایشگر واقعیتی هستند که من درک نمی‌کنم! واقعیتی که رسانه‌ها می‌خواهند من به آنها باور بیاورم اما من آن را درک نمی‌کنم!

شاید هم پاسخ ناگفته و نهفته پرسش‌های من آن است که بسیاری بین انسان و انسان تمایز قائل می‌شوند و انسان‌های اروپایی را به مراتب بیشتر از انسان‌هایی که ریشه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین دارند انسان می‌دانند! با حرکت از منطقی که رسانه‌های امپریالیستی تلاش دارند به خورد ما بدهند باید گفت "همه انسانها برابرند. اما برخی بیشتر برابرند!"

نادر ثانی

دوشنبه ۹ اسفندماه ۱۴۰۰